

# پذیرش قطعنامه ۵۹۸ تاکتیک یا مصحت

ترنگ سادات امجد



بررسی وضعیت عینی جنگ در سالهای پایانی بیرونی تحولات نظامی جنگ از جمله سراسر عراق به ایران در شهریور ۱۳۵۹ و متوقف شدن ماشین جنگی این رژیم در اوائل سال ۱۳۶۰

بررسی وضعیت عینی جنگ در سالهای پایانی بیرونی تحولات نظامی جنگ از جمله سراسر عراق به ایران در شهریور ۱۳۵۹ و متوقف شدن ماشین جنگی این رژیم در اوائل سال ۱۳۶۰ و متوقف شدن ماشین جنگی این رژیم در اوائل سال ۱۳۶۰ و متوقف شدن ماشین جنگی این رژیم در اوائل سال ۱۳۶۰

نظامی که بازترین آن انتصاب هاشمی رفسنجانی به عنوان جانشینی فرماندهی کل قوا در ۱۲ خرداد ۱۳۶۷ بود. سقوط جزایر مجنون

سالی که پیغامی از سقوط سلیمانیه دشمن با استفاده گسترده از سلاحهای شیمیایی در بامداد ۴ تیرماه ۱۳۶۷ به جزایر مجنون حمل کرد و با آغاز تاریکی مناطق مزبور را در تصرف نیروهای ایرانی درآورد و بدین ترتیب موقعیت خود را تثبیت و محسن رضایی حمله به جزایر مجنون را اوج قدرت عراق دانست دادوری به نوجو فلافلگری ای در عرض سه ماه به زبان در مدت ۳ ماه موفقیت سیاسی - نظامی عراق را در طوره درخرو توپچی بهاد بود.

سالی که محنتی امریکا به افروزیهای مسافری ایران حمله نظامی، نظامی و هواپیمایی بر سر خط اقدام شد و در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۷ (هفت روز پس از سقوط جزایر) از لشکری دو فرزند موشک به سوی هواپیمایی غیرنظامی جمهوری اسلامی ایران که از بند عباس فرود می بود ۲۹۰ نفرش را کشته و ۱۲ نفر را زخمی کرد.

سالی که در جریان حمله به جزایر مجنون و استیلا عراق به جبهه شمالی، نیروهای عراقی حمله کردند و مناطق تصرف عمل را دست نیروهای عراقی حمله کردند و مناطق تصرف شده در جبهه شمالی شامل حجاز غربی، جنوب و ماژوت را که در ۱۳ اردیبهشت ۱۳۶۷ با عملیات کربلای ۱۰، نصر ۴ و نصر ۵ و بیت المقدس ۶ آزاد نمود تخلیه کند پس از نیروهای دشمن در ۲۱ تیر ۱۳۶۷ با غلبه عملیات گسترده و استرداد ۱۱ لشکر کوشه و بیسی در غرب چین خوش، موسیان و جنوب هدران را به تصرف خود درآوردند.

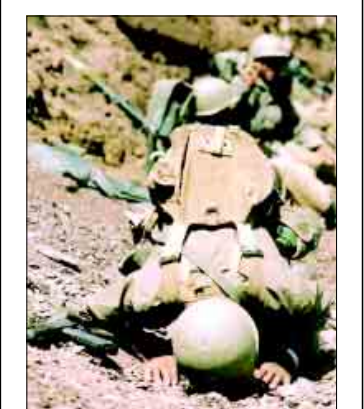
سالی که در جریان حمله به جزایر مجنون و استیلا عراق به جبهه شمالی، نیروهای عراقی حمله کردند و مناطق تصرف عمل را دست نیروهای عراقی حمله کردند و مناطق تصرف شده در جبهه شمالی شامل حجاز غربی، جنوب و ماژوت را که در ۱۳ اردیبهشت ۱۳۶۷ با عملیات کربلای ۱۰، نصر ۴ و نصر ۵ و بیت المقدس ۶ آزاد نمود تخلیه کند پس از نیروهای دشمن در ۲۱ تیر ۱۳۶۷ با غلبه عملیات گسترده و استرداد ۱۱ لشکر کوشه و بیسی در غرب چین خوش، موسیان و جنوب هدران را به تصرف خود درآوردند.

سالی که در جریان حمله به جزایر مجنون و استیلا عراق به جبهه شمالی، نیروهای عراقی حمله کردند و مناطق تصرف عمل را دست نیروهای عراقی حمله کردند و مناطق تصرف شده در جبهه شمالی شامل حجاز غربی، جنوب و ماژوت را که در ۱۳ اردیبهشت ۱۳۶۷ با عملیات کربلای ۱۰، نصر ۴ و نصر ۵ و بیت المقدس ۶ آزاد نمود تخلیه کند پس از نیروهای دشمن در ۲۱ تیر ۱۳۶۷ با غلبه عملیات گسترده و استرداد ۱۱ لشکر کوشه و بیسی در غرب چین خوش، موسیان و جنوب هدران را به تصرف خود درآوردند.

سالی که در جریان حمله به جزایر مجنون و استیلا عراق به جبهه شمالی، نیروهای عراقی حمله کردند و مناطق تصرف عمل را دست نیروهای عراقی حمله کردند و مناطق تصرف شده در جبهه شمالی شامل حجاز غربی، جنوب و ماژوت را که در ۱۳ اردیبهشت ۱۳۶۷ با عملیات کربلای ۱۰، نصر ۴ و نصر ۵ و بیت المقدس ۶ آزاد نمود تخلیه کند پس از نیروهای دشمن در ۲۱ تیر ۱۳۶۷ با غلبه عملیات گسترده و استرداد ۱۱ لشکر کوشه و بیسی در غرب چین خوش، موسیان و جنوب هدران را به تصرف خود درآوردند.

## شیمیایی

سال ۶۲، امتحانهای چهارم دبیرستان را که داد، یک راست رفت جبهه و تا آخر جنگ در بیشتر عملیاتها شرکت کرد. سال ۶۴ در رشته مهندسی برق دانشگاه صنعتی شریف قبول شد. بعد از یکی دو ترم باز جبهه و در دست تمام ماند، سه ماه مجروح بود، بار اول نوب فلاژون آن ترکش خود به فکش، بار دوم شلجه، موج انفجار برده گوشش را پاره کرد و بار سوم نوب فلو شیمیایی شد. بعد از جنگ، درس نیمه تمام را تمام کرد و سال ۷۲ دانشجوی نمونه شد و با معدل ۱۷ لیسانس گرفت. حالا زخمهای شیمیایی آنقدر عمیق شده بود که در خواندن را سخت تر می کرد اما هم درس خواند و هم درس داد. سال ۷۸ با شد دانشجوی نمونه مقطع کارشناسی شد. سال ۷۹ همراه همسرش رفت آلمان و یک ماه بعد همسرش تنها برگشت. مهندس غلامرضا رضایی، استاد درس محاسبات عددی دانشگاه صنعتی شریف بود؛ جایزای هفتاد درصد شیمیایی، سوم مرداد سال ۷۹ نوب بیمارستانی در آلمان شهید شد. این چند سطر یاد است از استاد...



دوستان! دوستان! ما مگر ما دوستش بودیم؟ چقدر این کلمه را تکرار می کرد. بچه ها سر در گوش هم می خندیدند تا این کلمه کلام، این یک طرف، جوکهای سرکلاش یک طرف، وسط درس یک دهه باد جوکهای دست چنم می افتاد: «یه روز ... کلاس هم که منتظر بود برای منتر شدن» بعضی ها هم که مثلاً عصبانی می شدند.

اول ترم، اول کلاس، همیشه می گفت: اگر آن شاله زنده بودیم تا آخر ترم در خونتانتان... الملام علیک یا اباعلیه! امام محرم مومنان کلاس را با این عبارت شروع می کرد و بعد پشت بندش می گفت: «خب حالا به چه جوک...» صدای بچه ها به اعتراض بلند شد: «استاد ما دوازده تا امام داریم، چرا تمییز لائل می کنی؟! خندید، دو روز میز وسط کلاس چرخید، ایستاد و زد به بچه ها: «باشه دوازده نفر به نیت تولداه اضافه می کنیم و یکی یکی نمره به خاطر شهادت ما می کنیم...»

کارت همین بود، اگر شانس می آوردی و کلاس به یک عید و تولدی می خورد یک نمره میانی می گرفت می آمد. روز دین بود ترم سیزدهم یادم نیست... اما برام جالب بود، خودش شیرینی آورد و یکی یکی به هم تعارف کرد.

بالای یکی از برگه ها نوشته بود: «بالا خان گل بگوید ما از خود بدیزند» از عاشقان بی مهره و از خود بدیزند

نوی راهروی دانشکده دیدمش، گفتم «استاد! تبریک!» خندید، گفتم: «چی؟ بعد غدیر؟» گفتم «نه هم بعد غدیر هم اتفاقات خوبی که نوب عید غدیر افتاده از خان بدیزند، گفتم: «شایعه است باور نکنید!» گفتم «چشم استاد!»

روزی یک عفتشان نوشته بودند: «در خانه داد با جزایر ما گنجد» اولین بار بعد از عفتشان رفته بودند گلزار شهدا، سر خاک شهید محمود امینی، از دوستانشان بود، همانجا دو کرمک نماز خوانده بود، درست همانجایی که حالا خودش میخواند...

نوی توشان بود، همایش افتاده بودی خوانه، چیزی گیر نیاردم. هدیه پیش کل بار دادم، خوشحال شد، خیلی می خندید، می گفت: «تو مطمئنی مناسبت دیگه ای نیست؟ نمی خوای بیشتر بچه بدی؟» همز نیم زار بود، نیم زمستان با ایشان کلاس داشتیم که تمامام ماند، سر کلاس برای دخترتی که عمل جراحی ایستاد بول جمع کرد، این اتفاقی بود که معمولاً هر ترم می افتاد.

گفتم: «استاد! رسیدی یا نمی شنوی؟» گفتم: «نه همه دیگه را که می بینم!» دوست سیدهدار زرماتون بول احتیاج داشتم، میر جویر کرد. گفتم: «باید میسران تمام برای عیادت، مورتنش از درد خیس شده بود اما گفتم می خندید همسرش بود و بعد از شربتی و بسکویت با هم می رفتند و نوشابه و آب میوه و لیمو و حتی لوشاک.»

گفتم: «باید میسران تمام برای عیادت، مورتنش از درد خیس شده بود اما گفتم می خندید همسرش بود و بعد از شربتی و بسکویت با هم می رفتند و نوشابه و آب میوه و لیمو و حتی لوشاک.»